

مقدمه‌ی مؤلف

به نام خدا

هرکه خطش خوب، خُلقش خوب‌تر

به راستی که خطّ زیبا، اخلاق زیبا را برای فرد به همراه می‌آورد. کسی که برای رسیدن به خطّی خوش و چشم‌نواز سال‌ها ممارست نموده و در این راستا از ادبیات غنی و اشعار بزرگان بهره‌مند گشته، قطعاً بر خُلق و خویش نیز تأثیر به‌سزایی خواهد گذاشت.

امروزه علی‌رغم پیشرفت تکنولوژی و فناوری‌های نوین در جوامع بشری، همواره داشتن خطّ زیبا بخشی از شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد؛ به‌ویژه در میان ما ایرانیان، این هنر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا شایسته است تا از دوران کودکی نسبت به آموختن این هنر سعی و تلاش نماییم.

کتاب پیش روی شما، کتاب کار خطّ تحریری است که مطابق سرفصل‌های کتاب درسی تألیف شده و در آن تمرین‌های روزانه‌ای برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است. این کتاب، کتابی است متن‌محور که مهم‌ترین ویژگی این کتاب‌ها، آن است که دانش‌آموزان نکات مهم تشکیل‌دهنده یک خطّ زیبا را که شامل (حسن تشکیل، حسن ترکیب و حسن هم‌جواری) می‌شود، یک‌جا و به‌طور کامل می‌آموزند. اما در کتاب‌های کلمه‌محور، دانش‌آموز از فراگیری این نکات غافل می‌ماند. به این صورت که کلمه را خوب و زیبا می‌نویسد، اما در به‌کارگیری همان کلمه در سطر و متن دچار مشکل می‌شود.

نحوه‌ی استفاده از کتاب

در این کتاب برای هر روز یک تمرین در نظر گرفته شده است. به این صورت که سرمشق در بالا به صورت کامل و پررنگ نوشته شده و در زیر آن چند خط به صورت کم‌رنگ آورده شده است که دانش‌آموز می‌بایست خطوط کم‌رنگ را با مداد نوک‌تیز یا مداد نوکی (اتود) پررنگ نماید و کاملاً روی خطوط کم‌رنگ حرکت کند و در نهایت روی خطوط خالی یک یا دو بار آن سرمشق را برابرنویسی نموده و آن را به تأیید اولیا، آموزگار و مربّی خوشنویسی خود برساند. به همین منظور در انتهای هر صفحه جایی برای تأیید اولیا، تأیید آموزگار و تأیید مربّی خوشنویسی قرار داده شده است که هر کدام از این عزیزان می‌توانند با یک تیک، تأیید خود را مشخص نمایند.

با آرزوی توفیق

احمدمازادی

خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابر نویسی کنید.

محلّی ما

تابستان بود. امید با خانواده اش تازه به این محلّ آمده بود.

تابستان بود. امید با خانواده اش تازه به این محلّ آمده بود.

تابستان بود. امید با خانواده اش تازه به این محلّ آمده بود.

تابستان بود. امید با خانواده اش تازه به این محلّ آمده بود.



اودر کلاس سوم، ثبت نام کرده بود و هنوز به محلّی جدید عادت نکرده

اودر کلاس سوم، ثبت نام کرده بود و هنوز به محلّی جدید عادت نکرده

اودر کلاس سوم، ثبت نام کرده بود و هنوز به محلّی جدید عادت نکرده

اودر کلاس سوم، ثبت نام کرده بود و هنوز به محلّی جدید عادت نکرده



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

امید از اینکه هیچ دوستی در آنجا نداشت، ناراحت بود و در گوشه ای

امید از اینکه هیچ دوستی در آنجا نداشت، ناراحت بود و در گوشه ای

امید از اینکه هیچ دوستی در آنجا نداشت، ناراحت بود و در گوشه ای

امید از اینکه هیچ دوستی در آنجا نداشت، ناراحت بود و در گوشه ای

۵۹

نشسته بود و فکر می کرد. مادرش که داشت وسایل خانه را جابه جایی کرد،

نشسته بود و فکر می کرد. مادرش که داشت وسایل خانه را جابه جایی کرد،

نشسته بود و فکر می کرد. مادرش که داشت وسایل خانه را جابه جایی کرد،

نشسته بود و فکر می کرد. مادرش که داشت وسایل خانه را جابه جایی کرد،



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

ازاد پرسید: «چرا این قدر ناراحت هستی؟ نگران نباش! اینجا هم

ازاد پرسید: «چرا این قدر ناراحت هستی؟ نگران نباش! اینجا هم

ازاد پرسید: «چرا این قدر ناراحت هستی؟ نگران نباش! اینجا هم

ازاد پرسید: «چرا این قدر ناراحت هستی؟ نگران نباش! اینجا هم



دوستان خوبی پیدا می کنی. حالا بلند شو؛ پدرت می خواهد بیرون برود.

دوستان خوبی پیدا می کنی. حالا بلند شو؛ پدرت می خواهد بیرون برود.

دوستان خوبی پیدا می کنی. حالا بلند شو؛ پدرت می خواهد بیرون برود.

دوستان خوبی پیدا می کنی. حالا بلند شو؛ پدرت می خواهد بیرون برود.



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.

امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.

امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.

امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.

۵۵

بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف ناوایی ایستاده بودند.

بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف ناوایی ایستاده بودند.

بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف ناوایی ایستاده بودند.

بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف ناوایی ایستاده بودند.



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی مغازه

امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی مغازه

امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی مغازه

امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی مغازه



و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس کیف و کفش

و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس کیف و کفش

و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس کیف و کفش

و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس کیف و کفش



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

از بازارچه که گذشتند، به میدان رسیدند. در یک سوی میدان، مسجد بزرگی

از بازارچه که گذشتند، به میدان رسیدند. در یک سوی میدان، مسجد بزرگی

از بازارچه که گذشتند، به میدان رسیدند. در یک سوی میدان، مسجد بزرگی

از بازارچه که گذشتند، به میدان رسیدند. در یک سوی میدان، مسجد بزرگی

۵۹

دیده می شد. گنبد فیروزه ای و گلدسته های بلند آن، عظمتی داشت.

دیده می شد. گنبد فیروزه ای و گلدسته های بلند آن، عظمتی داشت.

دیده می شد. گنبد فیروزه ای و گلدسته های بلند آن، عظمتی داشت.

دیده می شد. گنبد فیروزه ای و گلدسته های بلند آن، عظمتی داشت.



خطوط کم رنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابر نویسی کنید.

بوستان، فضای سبز بسیار زیبایی داشت. در انتهای آن، زمین فوتبالی

بوستان، فضای سبز بسیار زیبایی داشت. در انتهای آن، زمین فوتبالی

بوستان، فضای سبز بسیار زیبایی داشت. در انتهای آن، زمین فوتبالی

بوستان، فضای سبز بسیار زیبایی داشت. در انتهای آن، زمین فوتبالی



دیده می شود جمعیت زیادی آنجا بودند. آن ها جلورفتند.

دیده می شود جمعیت زیادی آنجا بودند. آن ها جلورفتند.

دیده می شود جمعیت زیادی آنجا بودند. آن ها جلورفتند.

دیده می شود جمعیت زیادی آنجا بودند. آن ها جلورفتند.



خطوط کمرنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابرنویسی کنید.

زنگ ورزش

آن روز هوا بارانی بود. باران پاییزی که از شب گذشته آغاز شده بود،

آن روز هوا بارانی بود. باران پاییزی که از شب گذشته آغاز شده بود،

آن روز هوا بارانی بود. باران پاییزی که از شب گذشته آغاز شده بود،

آن روز هوا بارانی بود. باران پاییزی که از شب گذشته آغاز شده بود،

۵۵

همچنان نرم نرمک می بارید. معلم به کلاس آمد و گفت:

همچنان نرم نرمک می بارید. معلم به کلاس آمد و گفت:

همچنان نرم نرمک می بارید. معلم به کلاس آمد و گفت:

همچنان نرم نرمک می بارید. معلم به کلاس آمد و گفت:



خطوط کم رنگ را پررنگ کرده، سپس بر روی خطوط خالی برابر نویسی کنید.

« بچه ها، امروز زمین برای نرمش و ورزش مناسب نیست؛ بنا بر این در

« بچه ها، امروز زمین برای نرمش و ورزش مناسب نیست؛ بنا بر این در

« بچه ها، امروز زمین برای نرمش و ورزش مناسب نیست؛ بنا بر این در

« بچه ها، امروز زمین برای نرمش و ورزش مناسب نیست؛ بنا بر این در



کلاس می مانیم و در باره ی چند موضوع مهم، گفت و گو می کنیم.»

کلاس می مانیم و در باره ی چند موضوع مهم، گفت و گو می کنیم.»

کلاس می مانیم و در باره ی چند موضوع مهم، گفت و گو می کنیم.»

کلاس می مانیم و در باره ی چند موضوع مهم، گفت و گو می کنیم.»

